



Fitna and Strategies to Overcome It from the Perspective of Nahj al-Balagha

Karim Ebrahimi ¹ Mahdi Iranpour²

Received: 2024/04/28 . Revised: 2024/06/19 . Accepted: 2024/12/23 . Published online: 2025/02/02

Abstract

One of the significant issues that has drawn attention since the early days of Islam is the concept of *fitna* (sedition). Fitna refers to a complex, hidden, and violent movement against the values and virtuous traditions of the Islamic society, leading to the destruction of moral structures and the creation of doubts within the community. This phenomenon negatively impacts the historical trajectory of society, pushing it toward misguidance and deviation. The Quran strongly condemns fitna, describing it as more severe and graver than murder (Surah Al-Baqarah, Verses 191 and 217). The intensity and magnitude of fitna in the Quran raise questions about its nature and its impact on society. Given the complexity of fitna, vigilance and insight are of utmost importance during such times. One of the most notable characteristics of fitna is its ability to blur the lines between truth and falsehood, making it difficult for people to distinguish between them, thereby complicating efforts to extinguish its

1. Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. K.ebrahimi@qom.ac.

2. Researcher, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (Corresponding Author). m.iranpor@isca.ac.

* Ebrahimi, K., & Iranpour, M. (2024). Fitna and Strategies to Overcome It from the Perspective of Nahj al-Balagha. Journal of Studies of Quranic Sciences, 6(19), pp. 163-194.
<https://doi.org/10.22081/jqss.2024.68930.1295>

flames and potentially leading individuals astray. Reflecting on past instances of fitna and learning from them can be considered as a valuable strategy to avoid falling into future traps of fitna. This study aims to examine the concept of fitna from the perspective of Amir al-Mu'minin Ali (peace be upon him) and to present solutions from his teachings for overcoming it. Using a descriptive-analytical and library-based method, this article explains the literal and terminological meanings of fitna, provides examples of it, and outlines duties during times of fitna based on the guidance of Imam Ali (peace be upon him).

Keywords

Imam Ali (peace be upon him), Fitna, Divine test, Nahj al-Balagha.

الفتنة وسبل التغلب عليها من منظور نهج البلاغة

كريم إبراهيمي^١ مهدي إيرانپور^٢

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٤/٢٨ * تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٦/١٩ * تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١٢/٢٣ * تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٢/٢

الملخص

من القضايا التي شغلت اهتمام الناس منذ بداية التاريخ الإسلامي قضية الفتنة، فالفتنة حركة معقدة خفية عنيفة ضد القيم والسنن الصالحة للمجتمع الإسلامي، والتي تعمل على تدمير النسيج الأخلاقي وإثارة الشبهات في المجتمع، وتؤثر سلباً على تطور المجتمع وتقود المجتمع نحو الضلال والخطأ. والقرآن الكريم يدين الفتنة بشدة، ويصفها بأنها أشد وأعظم من القتل (سورة البقرة، الآيات ١٩١ و ٢١٧). إن شدة الفتنة وحجمها في القرآن الكريم يثيران التساؤل حول ماهية الفتنة ومدى تأثيرها على المجتمع. وبما أن قضية الفتنة تعتبر قضية معقدة فإن الانتباه والبصيرة أثناء الفتنة أمر بالغ الأهمية. ومن أبرز خصائص الفتنة التي تجعل الناس في حالة من الارتباك أن الفتنة تختلط فيها الحقيقة بالباطل، فيصعب التمييز بين الحق والباطل، مما يجعل إطفاء نار الفتنة أمراً صعباً وقد يؤدي إلى تضليل الناس. إن النظر إلى الفتن الماضية والتعلم منها هو الحل الجيد لتجنب الوقوع في فخ الفتن في المستقبل. في هذه المقالة نحاول دراسة قضية الفتنة من

١. أستاذ مساعد، قسم الإدارة، كلية العلوم الاقتصادية والإدارية، جامعة قم، قم، إيران.

K.ebrahimi@qom.ac

٢. باحث في المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران (الكايب المسؤول).
m.iranpor@isca.ac

* إبراهيمي، كريم؛ إيرانپور، مهدي. (٢٠٢٤م). الفتنة وسبل التغلب عليها من منظور نهج البلاغة، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٦ (١٩)، صص ١٦٣-١٩٤.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2024.68930.1295>

وجهة نظر أمير المؤمنين علي عليه السلام، ونقترح الحلول للتغلب عليها من وجهة نظره. وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي والمكتبي، بالإضافة إلى التعبير عن المعنى الحرفي والاصطلاحي للفتنة، نعرض نماذج من الفتنة ونشير إلى الواجبات في ظروف الفتنة.

الكلمات الرئيسية

الإمام علي عليه السلام، الفتنة، الامتحان، نهج البلاغة.

فتنه و راهکارهای غلبه بر آن از دیدگاه نهج البلاغه

کریم ابراهیمی^۱ مهدی ایران‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳ تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

چکیده

یکی از موضوعاتی که از ابتدای تاریخ اسلام، توجه افراد را به خود جلب کرده است مسئله فتنه است. فتنه، حرکتی پیچیده، پنهان و خشن علیه ارزش‌ها و سنت‌های صالح جامعه اسلامی است که موجب تخریب بافت اخلاقی و شبهه‌آفرینی در جامعه شده و بر سیر تاریخی جامعه اثر منفی گذاشته و جامعه را به سوی ضلالت و گمراهی می‌کشاند. قرآن با نگوهرش بسیار فتنه، آن را شدیدتر و بزرگتر از قتل (سوره بقره، آیات ۱۹۱ و ۲۱۷) معرفی می‌کند. شدت و بزرگی فتنه در قرآن، موجب طرح این پرسش می‌شود که فتنه چیست و در جامعه چه اثری می‌گذارد؟. از آنجاکه مسئله فتنه، در زمره مسائل پیچیده به‌شمار می‌رود، بیداری و بصیرت هنگام فتنه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. یکی از بارزترین ویژگی‌های فتنه که انسان‌ها را سخت در ابهام فرو می‌برد این است که در فتنه، حق و باطل با یکدیگر مخلوط می‌شوند و در نتیجه تشخیص حق از باطل با سختی روبه‌رو شده و این موضوع فرونشاندن آتش فتنه را دشوار کرده و می‌تواند افرادی را گمراه نماید. نگاه به فتنه‌های گذشته و عبرت‌گیری از آنها راه‌حل خوبی برای گرفتار نشدن در دام فتنه‌های پیش‌رو است. در این مقاله تلاش شده است از دیدگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام موضوع فتنه مورد بررسی قرار گرفته و نیز از دیدگاه آن حضرت راهکارهایی جهت برون‌رفت از آن مطرح شود. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای ضمن بیان معنای لغوی و اصطلاحی فتنه، مصادیقی از فتنه بیان شده و به وظایف در شرایط فتنه اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها

فتنه، امام علی علیه السلام، امتحان، نهج البلاغه.

۱. استادیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران.

K.ebrahimi@qom.ac

m.iranpor@isca.ac

۲. پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

* ابراهیمی، کریم؛ ایران‌پور، مهدی. (۱۴۰۳). فتنه و راهکارهای غلبه بر آن از دیدگاه نهج البلاغه. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۱۹)، صص ۱۶۳-۱۹۴. <https://doi.org/10.22081/jqss.2024.68930.1295>

مقدمه

قرآن کریم با نکوهش بسیار فتنه، آن را شدیدتر و بزرگتر از قتل می‌داند «وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ» (بقره، ۱۹۱)، «وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره، ۲۱۷). با اینکه قرآن کشتن انسان‌ها را گناهی عظیم می‌شمارد و عاقبت قاتل بی‌گناهان را غضب و لعن الهی و عذاب جهنم معرفی می‌کند: «وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء، ۹۳) و حتی می‌گوید: کشتن یک بی‌گناه برابر با کشتن همه انسان‌ها است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲)، شدیدتر و بزرگتر بودن فتنه از کشتن انسان بی‌گناه، این پرسش را به ذهن می‌رساند که فتنه چیست و در جامعه چه کارکردی دارد و چه اثری برجای می‌گذارد که تا این حد مورد نکوهش قرآن قرار گرفته و از قتل شدیدتر و بزرگتر معرفی شده است.

تاریخ صدر اسلام از بدو شروع تاکنون فتنه‌های گوناگونی با شدت و ضعف به خود دیده است. در این فتنه‌ها که مملو از تجارب گوناگون است، افرادی با توفان فتنه گمراه و افرادی ره یافته‌اند. گاهی فتنه‌ها ضربات جبران‌ناپذیری به مذهب و آیین و جامعه اسلامی وارد کرده و گاهی مایه روشنی مسیر شده و ریشه مذهب را مستحکم کرده است.

به علاوه زندگی مادی و معنوی انسان به‌ویژه مسلمانان مملو از امتحانات و آزمایشات گوناگون و به اصطلاح فتنه‌هایی است که تنها شناخت درست از حوادث و موضع‌گیری درست در مقابل آنها می‌تواند کارساز باشد تا فرد و جامعه را از ویرانگری مادی و معنوی فتنه برهاند. گاهی این فتنه‌ها وسیله انحراف دل‌ها از ذات حق و گمراهی و فریب مسلمانان و تزلزل فکری و عقیدتی و استحاله ارزش‌های معنوی و حاکمیت ضد ارزش‌های مادی بر جامعه می‌شود و گاهی وسیله کارآزموده شدن عبرت‌گیران می‌گیرد (غفوری چرخایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

فتنه با جنگ نرم ارتباط تنگاتنگی دارد، به طوری که ایجاد فتنه در جامعه، نتیجه

جنگ نرم بوده و فتنه‌ها در بستر جنگ نرم به نتیجه می‌رسند (شاه‌علی، ۱۳۹۰)؛ از این رو لازم است جنگ نرم شناسایی شده و با آن مقابله شود تا بستر فتنه فراهم نشود. شناخت ویژگی‌های فتنه و فتنه‌گران موجب نجات از فتنه شده و مانع از آزمودن آزموده‌ها می‌شود. وقتی فتنه به درستی شناخته شود، زمینه انتخاب وسیله مناسب مبارزه با آن نیز به خوبی انجام خواهد گرفت؛ آنجا که عقل وسیله مبارزه شود با عقل و آنجا که وسیله دیگری نیاز باشد با آن وسیله به مهار فتنه همت گمارده خواهد شد و در نتیجه، مهار فتنه آسان‌تر خواهد شد. شناخت فتنه‌ها در طول تاریخ، انسان را از افتادن در دام فتنه باز می‌دارد. طبیعی است که یکی از موثرترین منابع برای شناخت فتنه، استفاده از تجارب تاریخ صدر اسلام تاکنون و موضع‌گیری ائمه و رهبران اسلامی می‌باشد (غفوری چرخایی، ۱۳۸۳، صص ۱۱-۱۲).

از سوی دیگر بنا به فرموده قرآن کریم، صرف ادعای ایمان، نشانه صالح بودن انسان نیست، بلکه افراد باید ایمان خود را در شرایط فتنه و امتحان به اثبات برسانند «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَبْتَئِرُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت، ۲).

۱. ادبیات موضوع

۱-۱. تعریف فتنه

کلمه فتنه از ریشه «ف.ت.ن» است. فتنه در معانی مکر، فریب، فساد، شرک، گناه، رسوایی، امتحان و ابتلاء به کار رفته است، ولی برخی اهل لغت معنای اصلی آن را سوزاندن چیزی در آتش می‌دانند، لذا به گداختن طلا و نقره در آتش تا سره از ناسره جدا گردد، فتنه می‌گویند و به همین معنا در آیه ۱۳ سوره ذاریات به کار رفته است: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» یعنی روزی که به وسیله آتش سوزانیده می‌شوند» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۱۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، صص ۱۷۸-۱۷۹؛ شرتونی، ۱۹۹۲م، ج ۲، ص ۹۰۲). الْفِتْنَةُ بِالْكَسْرِ: الْخَبْرَةُ..... وَفِتْنَهُ يَفْتِنُهُ: أَوْقَعَهُ فِي الْفِتْنَةِ؛ فتنه به معنای آزمایش آمده است. او را در بوته آزمایش قرار داد (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۵۴).

واژه فتنه در قرآن کریم به معانی متعددی به کار رفته است از قبیل شرک، کفر، امتحان، عذاب دنیوی، به آتش سوزاندن، قتل، مانع شدن و جلوگیری کردن، گمراه نمودن، عذر آوری، گناه، شر، دیوانه شدن، لغزاندن، خواهش‌ها و عبرت آموزی، (ابن موسی، ۱۴۰۹ق، صص ۷۸-۸۰؛ دامغانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۳) برخی اهل لغت در معنای فتنه گفته‌اند: فتنه عبارتست از هر چه موجب اختلال و اضطراب و زیر و رو شدن گردد، که مصادیق متعدد دارد، مانند مال و اولاد، اختلاف‌های اعتقادی، عذاب، کفر، دیوانگی، هر نوع آزمایش و امتحان (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۲۴) بر این اساس، فتنه مفهومی عام دارد و همه کاربردهای آن را دربر می‌گیرد.

واژگان ابتلاء و امتحان در قرآن کریم به کار رفته است که تقارب معنایی با واژه فتنه دارند، مانند: «وَ لَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۱۵۵)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ» (ممتحنه، ۱۰).

برخی معنای اصطلاحی فتنه را این شکلی تعریف کرده‌اند: «فتنه حرکتی پیچیده، پنهان و خشن علیه ارزش‌ها و سنت‌های صالح جامعه اسلامی است که در طی آن بافت اخلاقی جامعه تخریب و شبهه‌آفرینی صورت می‌گیرد و بر سیر تاریخی جامعه اثر می‌گذارد. و جامعه را به سمت ضلالت و گمراهی می‌کشاند و در نهایت به استبداد و دیکتاتوری ختم می‌شود» (طیعی، ۱۳۸۱، ص ۹۷).

براساس این تعریف، نتیجه فتنه ضلالت و گمراهی است، درحالی که فتنه می‌تواند نتیجه مطلوب نیز داشته باشد؛ زیرا ممکن است فتنه موجب رشد افراد و تربیت آنان شود. پس لزوماً نتیجه فتنه دیکتاتوری نیست؛ زیرا افرادی می‌توانند فضا را شفاف ساخته و برای توده مردم حق و باطل محض را روشن کرده و از این رهگذر حاکمیت حق را به ارمغان آورند.

باتوجه به معنای لغوی فتنه می‌توان به این نتیجه رسید که فتنه همان ابتلاء و امتحانی است که به روش‌های گوناگون بروز می‌کند؛ به‌عنوان مثال اینکه اموال و اولاد فتنه هستند؛ پس معنای اصطلاحی فتنه از معنای لغوی آن دور نیست.

می‌توان فتنه را در یک تعریف جامع، چنین تعریف کرد: فتنه مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی است که جامعه را متلاطم کرده، فضا را مبهم کرده، روابط میان افراد را دستخوش تغییرات می‌کند و باطل را در پوششی از حق و آمیخته با آن به اجتماع عرضه می‌کند تا افراد از مسیر اصلی منحرف شده و در جهت اهداف شوم فتنه‌گران هدایت شوند، و از این روش افراد در امتحان و ابتلاء قرار می‌گیرند که از یکسو زمینه گمراهی و از سوی دیگر زمینه رشد فراهم می‌شود.

۲. فتنه در قرآن کریم

واژه فتنه و مشتقات آن ۶۰ مرتبه در قرآن به کار رفته است. در اینجا به برخی کاربردهای قرآنی فتنه اشاره می‌شود:

الف) آزمایش و امتحان

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ و بدانید که اموال و اولادتان مایه آزمون شما هستند و پاداش عظیم نزد خداوند است» (انفال، ۲۸).

«وَ حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَ صَمُّوا؛ و گمان بردند که آزمونی در کار نخواهد بود؛ از این رو هوش و گوششان را از دست دادند... (مانده، ۷۱). قرآن فتنه به این معنا را برای همه انسان‌ها تثبیت کرده است: «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَبْتَغُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت، ۲).

ب) شرک و بت‌پرستی

«وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ؛ با آنها چنان نبرد کنید که شرک باقی نماند و دین فقط دین الهی است... (انفال، ۳۹).

ج) عذاب

«يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» *ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ؛ روزی که

ایشان بر آتش عذاب می‌شوند * همین عذابتان را که نسبت به آن عجله داشتید، بپخشید»
(ذاریات، ۱۳، ۱۴).

د) سرگستگی و گمراهی

«وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا؛ و کسی که خداوند سرگستگی‌اش را خواسته باشد، هرگز برای او در برابر خداوند کاری نمی‌توان کرد» (مائده، ۴۱).

ه) نفاق و اختلاف

«لَوْ حَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وَضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْعُونَكُمْ الْفِتْنَةَ وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ اگر [هم] با شما بیرون می‌آمدند، جز شرّ و فساد به شما نمی‌افزودند و به‌طور مسلم خود را برای سخن چینی [و نَمَامی] در میان شما قرار می‌دادند تا [برای از هم گسستن شیرازه سپاه اسلام] فتنه‌جویی کنند و در میان شما جاسوسانی برای آنان هستند [که به نفعشان خبر چینی می‌کنند] و خدا به ستمکاران داناست» (توبه، ۴۷).

و) فریب

«يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ؛ ای فرزندان آدم شیطان شما را نفریبید» (اعراف، ۲۷).

۳. فتنه در نهج‌البلاغه

فتنه در نهج‌البلاغه در بعد فردی و اجتماعی به کار برده شده است.

۳-۱. فتنه در بعد فردی

فتنه در بعد فردی به معنای امتحان و آزمایش است (غفوری چرخایی، ۱۳۸۳، ص ۲۷) و هیچ کس از فتنه به معنای امتحان و آزمایش استثنا نیست. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می‌فرماید: لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ

عَلَى فِتْنَةٍ وَ لَكِنَّ مَنِ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَ عِدُّ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ؛ هَيْجِ يَكُ مِنْ شِمَا نَكُويد: خدایا! از فتنه به تو پناه می‌برم؛ زیرا هیچ کس نیست که از فتنه (آزمایش) برکنار باشد، بلکه کسی که از فتنه به خدا پناه می‌برد، باید از فتنه‌های گمراه‌کننده به خدا پناه برد که خداوند سبحان می‌فرماید: «بدانید که جز این نیست که دارایی‌ها و فرزندانان فتنه (آزمون) هستند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۹۳).

بنابراین فتنه در بعد فردی اجتناب‌ناپذیر است و همه دچار فتنه خواهند شد؛ هنر فرد آن است که از فتنه درس گرفته و در گرداب فتنه نیفتد.

آن حضرت درباره هدف از آزمون و فتنه می‌فرماید: اما خداوند، بندگانش را به آزمون‌های گوناگون می‌آزماید و به کوشش‌های رنگارنگ در مسیر تعبد و بندگی خالص قرار می‌دهد و به انواع سختی‌ها مبتلایشان می‌سازد تا خانه دل را از لوث خودخواهی و تکبر فروشود و فروتنی را در عمق جان‌شان بر نشانند تا درهای فضل و رحمت به سوی‌شان گشوده شود و به سهولت وسیله بخشایش فراهم گردد (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۴).

در جای دیگر امام علیه السلام درباره آزمون و اینک ثروتمندی و قدرت و یا فقر و ضعف را در نتیجه خشنودی یا خشم خداوند نباید دانست می‌فرماید: مال و فرزند را دلیل خشنودی یا خشم خدا ندانید که نشانه ناآگاهی به موارد آزمون و امتحان در بی‌نیازی و قدرت است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۲-۳. فتنه در بعد اجتماعی

فتنه‌هایی که در مقیاس اجتماع رخ می‌دهد، نتایج و اثراتی دارد که این نتایج و اثرات را باید ابتدا در رفتارهای جمعی افراد مشاهده کرد. این گونه فتنه‌ها در کنار سایر پدیده‌هایی قرار می‌گیرد که باعث نوعی تغییر در جامعه می‌شوند پدیده‌هایی همچون جنگ، کودتا، نهضت، انقلاب و شورش (طیعی، ۱۳۸۱، صص ۳۰-۳۱).

هدایت افراد و بصیرت‌دهی به آنها در فتنه‌های اجتماعی به‌طور معمول دشوارتر

است؛ زیرا در یک فتنه اجتماعی همزمان افراد بسیاری ممکن است درگیر باشند که اقناع همه آنها دشوار خواهد بود.

۴. فتنه‌شناسی

۴-۱. شناخت فتنه

انسان برای انجام هر کاری نیاز به آگاهی دارد؛ بدون شناخت عمل، انجام آن ممکن است بی‌فایده یا حتی مضر باشد. موضوع مهم فتنه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای نجات از آن به آگاهی نیاز دارد. مولا علی علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بُعْدُهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَ الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ؛ آنکه ندانسته کاری کند، مانند کسی است که به بیراهه رود. هرچه در آن راه پیش راند، از مقصود خود دورتر ماند، و آنکه از روی دانش کننده کار است، همچون رونده در راه آشکار است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۴).

شناخت فتنه موضوع پیچیده‌ای است که نیاز به ابزار خاصی دارد؛ زیرا فتنه صراحت ندارد، بلکه امری است مشتبه که می‌تواند انسان را به اشتباه انداخته و گمراه نماید؛ امام علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْفِتْنََ إِذَا أَقْبَلَتْ سَبَّهَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ تَبَهَّتْ يُنْكَرُونَ مُقْبِلَاتٍ وَ يُعْرِفُونَ مُدْبِرَاتٍ يَحْمَنَ حَوْمَ الرِّيَّاحِ يَصِيبُنَ بَلْدًا وَ يُحْطِئُنَ بَلْدًا؛ فتنه‌ها آنگاه که روی آورند با حق شباهت دارند، و چون پشت کنند حقیقت چنانکه هست، نشان داده می‌شود، فتنه‌ها چون می‌آیند شناخته نمی‌شوند، و چون می‌گذرند، شناخته می‌شوند، فتنه‌ها چون گرد بادها می‌چرخند، از همه جا عبور می‌کنند، در بعضی از شهرها حادثه می‌آفرینند و از برخی شهرها می‌گذرند (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۳).

از کلام حضرت استفاده می‌شود که فتنه این ویژگی‌های را دارد: شباهت با حق دارند، در بدو ورود ناشناخته‌اند، در برخی مکان‌ها حادثه می‌آفرینند و از برخی مکان‌ها می‌گذرند.

افراد هنگام گرفتار آمدن در فضای گردبادی هوش و حواس خویش را از دست می‌دهند و اندیشه خود را به‌درستی نمی‌توانند به کار گیرند. به همین دلیل ممکن است در جهتی صددرصد خلاف هدف اصلی خود به راه بیافتند. حتی اگر کسی از بیرون گردباد به آنان بگوید مسیر خود را اشتباه می‌روید، اصلاً نمی‌شنوند و اگر هم بشنوند، نمی‌توانند تصمیم درستی اتخاذ نمایند. این درست شبیه فضای فتنه است.

شبهات آن اموری هستند که انگاشته می‌شود حقیقتی ثابت و پایدارند، درحالی که اموری فانی و زوال پذیرند، اما گمان انسان آنها را حق می‌انگارد و با حق مشتبه می‌سازد (ابن میثم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۹).

مولا علی علیه السلام در خلال سخنی، شبهه را این گونه تعریف کرده‌اند: «وَأِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛ همانا شبهه شبهه نام گرفته به خاطر اینکه حق را مشتبه می‌سازد و شبهه شبیه و مانند حق است (فیض الاسلام، ۱۳۷۱ق، ص ۱۲۳).

۲-۴. ریشه‌یابی فتنه

حضرت علی علیه السلام در ریشه‌یابی فتنه می‌فرماید: سرآغاز فتنه‌ها هواهایی است که تبعیت شده و احکامی است که بدعت نهاده می‌شوند، حکم خدا مورد مخالفت قرار می‌گیرد و مردانی از مردان دیگر بر مبنایی غیر از دین خدا تبعیت می‌کنند. اگر باطل با حق درنیامیزد، بر حقیقت جویان پوشیده نمی‌ماند و اگر حق با باطل آمیخته نشود، زبان دشمنان آن بریده می‌شود، لیکن مشتی از آن برداشته می‌شود و مشتی از این (و بدین ترتیب حق و باطل درهم آمیخته می‌شود و شبهه پیش می‌آید) آن وقت شیطان بر اولیایش مستولی می‌شود و و آنان که لطف حق شاملشان شده نجات می‌یابند (نهج البلاغه، خطبه ۵۰).

در این خطبه امام علیه السلام به ویژگی‌های زمان فتنه و نقاط شروع آن اشاره می‌کنند که عبارتند از:

۱. تبعیت از هواهای نفسانی؛ وقتی که هواهای نفسانی الهه و بت انسان قرار می‌گیرند، انسان به تمامه عبد آن می‌شود، در این صورت بت نفس با صدور فرمان

فتنه‌هایی چون تفرقه، بدعت و ... انسان را استحاله فکری کرده، به نفع شیطان هدایت می‌نماید؛ از این رو تحت فرمان قرار گرفتن هواهای نفسانی نقطه شروع فتنه می‌شود.

۲. بدعت در دین؛ احکامی که مبتنی بر نفسانیات و افکار شیطانی به دین تحمیل می‌شود اهرم کمکی هواها یا نتیجه آنها برای ایجاد فتنه است. بدعت در دین ضربات سهمگینی را بر پیکره جامعه صدر اسلام وارد کرده از جمله محرومیت حضرت زهرا از فدک توسط خلیفه اول به بهانه اینکه پیامبران ارث نمی‌گذارند، در صورتی که این سخن با آیه قرآن (وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ) مغایرت دارد.

۳. مخالفت با کتاب خدا؛ هنگامی که کتاب الهی مورد مخالفت قرار گیرد، هرج و مرج و فتنه به وجود می‌آید.

۴. درهم آمیختن حق و باطل؛ در صورتی که باطل با پوششی از حق به میدان نیاید، هیچ‌گاه باطل نمی‌تواند عرض اندام کند و به محض پیدایش توسط مردم حق جو دفع می‌شود.

۵. فراموشی تذکرات الهی؛ توضیح اینکه: یکی از خطرناکترین بلاهایی که در طول زندگی ممکن است نصیب افراد شود این است که خداوند افراد را به حال خود واگذارد. برای چنین افرادی ممکن است تمام درها باز باشد، اما باز بودن تمام درها و راه‌ها و ثروتمند بودن دلیل صحیحی برای درست‌کار بودن افراد نیست؛ زیرا در ادبیات قرآن وقتی افراد تذکرات الهی را فراموش می‌کنند، درها به رویشان باز می‌شود؛ قرآن در این زمینه می‌فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ؛ پس چون آنچه به آنها تذکر داده شد همه را فراموش کردند ما هم درهای هر چیز را به روی آنها گشودیم... (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ رَجُلَانِ رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَهُوَ جَائِرٌ عَنِ قَصْدِ السَّبِيلِ مُشْعُوفٌ بِكَلَامِ بَدْعَةٍ وَ دُعَاءِ ضَلَالَةٍ فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنْ افْتَنَّ بِهِ ضَالٌّ عَنْ هُدًى مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مُضِلٌّ لِمَنْ افْتَدَى بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِهِ حَمَالٌ حَطَّأَا غَيْرِهِ رَهْنٌ بِحَطِئَتِهِ؛ دشمن‌ترین آفریده‌ها نزد خدا دو نفرند: مردی که خدا او را به حال خود گذاشته، و از راه راست دور افتاده است، دل او شیفته بدعت است و مردم را گمراه

کرده، به فتنه‌انگیزی می‌کشاند و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷).

۵. وظایف در شرایط فتنه

همان‌طور که گفته شد همه انسان‌ها دچار فتنه به معنای آزمایش خواهند شد و هیچ‌کس از فتنه به این معنا رهایی ندارد. موضوعی که در برخورد با فتنه شایان توجه است، چگونگی مواجهه با فتنه است؛ افراد با شناختی که از فتنه‌های گذشته و عبرت از آنها به‌دست می‌آورند می‌توانند در شرایط فتنه تاثیرگذار بوده و در خاموش کردن آتش فتنه مفید باشند.

«پرهیز از تفرقه، فتنه و فساد اجتماعی از مسائل بسیار مهم اسلام در بُعد اخلاق اجتماعی به‌شمار می‌آید و تحقق آن آثار مثبتی چون: آرامش، وحدت، محبت و پیشرفت مادی و معنوی برای افراد و جامعه در بردارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۴۵۲).

بنابراین باید قبل از شکل‌گیری فتنه برای پیش‌گیری از فتنه تلاش کرد و از درهم‌آمیختن حق و باطل جلوگیری کرد. و گرنه پس از شکل‌گیری فتنه راهی جز پیکار با فتنه نیست. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ؛ با آنان کارزار کنید تا فتنه‌ای نماند» (بقره، ۱۹۳). هنگامی که فتنه روی داد، باید با کارزار برای انحلال فتنه و تصفیه فضا تلاش کرد؛ زیرا فضای فتنه در فضایی غبارآلود شکل می‌گیرد که این غبارآلودگی شناخت حقیقت را دشوار و مشتبه می‌سازد. بی‌تفاوتی در شرایط فتنه ناشایست است و افراد باید به قدر وسع برای نشانیدن غبار فتنه تلاش نمایند.

مولای متقیان علیهم‌السلام در خصوص فتنه‌گریزی و دوری از بی‌تفاوتی می‌فرماید:

بَيْنَ قَبِيلٍ مَطْلُوبٍ وَ حَائِفٍ مُسْتَجِيرٍ يَخْتَلُونَ بِعَقْدِ الْإِيمَانِ وَ بَعْرُورِ الْإِيمَانِ فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتْنِ وَ أَغْلَامَ الْبِدْعِ وَ الزَّمُوا مَا عَقَدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ وَ بَيَّتْ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ وَ أَقْدَمُوا عَلَى اللَّهِ مَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْدَمُوا عَلَيْهِ ظَالِمِينَ وَ اتَّقُوا مَدَارِجَ الشَّيْطَانِ وَ مَهَابِطَ

الْعُدْوَانِ وَلَا تُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لَعْنَ الْحَرَامِ فَإِنَّكُمْ بَعَيْنٌ مَنْ حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَعْصِيَةَ وَ سَهْلَ لَكُمْ سُبُلَ الطَّاعَةِ؛ گروهی کشتگان بر خاک و خون خفته‌اند و جمعی وحشت‌زده پناهگاه امنی می‌جویند با تعهد سوگند و فریب ایمانی دروغین به دام می‌افتند، پس هوشیار باشید و خود را تخته نشان تیرهای فتنه‌ها و پرچم افراشته بدعت‌ها مسازید؛ و به راهی وفادار بمانید که انبوهه مردم را پیوند می‌زند و زیربنای ارکان اطاعت حق است. بکوشید تا به حضرت حق با سیمای مظلومان تاریخ راه یابید نه با چهره ستمگران؛ هم از اولین پله‌های نردبان شیطان پروا کنید و هم از پرتگاه‌های تجاوز؛ به شکم‌های خویش لقمه‌های حرام وارد نسازید؛ زیرا که شما تحت نظارت همان مقامی قرار دارید که گناه را بر شما تحریم کرده و راه اطاعت را برایتان هموار ساخته است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۱).

در شرایط فتنه هر فرد به اقتضای توان خود مأمور به رفع فتنه است. نخبگان و خواص در فضای فتنه‌گون باید روشنگری کرده و بصیرت توده مردم را برای تمیز حق از باطل افزایش دهند. نخبه وظیفه دارد آتش فتنه را با اظهار نظرهای بجا به سوی خاموشی سوق دهد.

کسی توانش فقط تا این حد است که گرفتار فتنه نشود، ولی نمی‌تواند دیگران را بصیر کند. این فرد باید نسبت به فتنه هشیار بوده و خود را نجات دهد. افرادی هستند که خود از آگاهی برخوردارند و می‌توانند دیگران را نیز بصیر و آگاه کنند؛ از این رو باید به روشنگری پرداخته و برای توده مردم جهاد تبیین را در دستور کار خویش قرار دهند؛ بنابراین به‌طور کلی هر کس به قدر توان خویش باید با فتنه مبارزه کند.

یکی از وظایف کارگزاران حکومت هنگام فتنه اطاعت از حاکم اسلامی است. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به عبدالله ابن قیس (ابوموسیٰ عسری)، حاکم کوفه، اطاعت از حاکم اسلامی را در مواجهه با فتنه ایجاد شده در بصره توسط طلحه و زبیر همراه با عایشه یادآور می‌شوند:

أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ قَوْلٌ هُوَ لَكَ وَ عَلَيْكَ فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْكَ رَسُولِي رَسُولِي عَلَيْكَ فَارْفَعْ ذَيْلَكَ وَ اشْدُدْ مِئْزَرَكَ وَ اخْرُجْ مِنْ مَجْرِكَ وَ انْذُبْ مَنْ مَعَكَ فَإِنْ حَقَّقْتَ فَأَنْفُذْ وَ إِنْ

تَفَسَّلَتْ فَأَبْعُدْ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَتَوُتِينَ مِنْ حَيْثُ أَنْتَ وَ لَا تُتْرَكَ حَتَّى يُحْلَطَ رُبْدُكَ بِحَاثِرِكَ وَ ذَائِبِكَ بِجَامِدِكَ وَ حَتَّى تُعْجَلَ عَنْ قَعْدَتِكَ وَ تُحْدَرَ مِنْ أَمَامِكَ كَحَدْرِكَ مِنْ خَلْفِكَ وَ مَا هِيَ بِالْهُوَيَّتِي الَّتِي تَرْجُو وَ لَكِنَّهَا الدَّاهِيَةُ الْكُبْرَى يُرَكَّبُ جَمَلُهَا وَ [يُدَلُّ يُدَلُّ صَعْبُهَا وَ يُسَهَّلُ جَبَلُهَا فَأَعْقِلْ عَقْلَكَ وَ امْلِكْ أَمْرَكَ وَ خُذْ نَصِيْبَكَ وَ حَظَّكَ فَإِنْ كَرِهْتَ فَتَنَحَّ إِلَى غَيْرِ رَحْبٍ وَ لَا فِي نَجَاةٍ فَبِالْحَرِيِّ لَتُكْفَيَنَّ وَ أَنْتَ نَائِمٌ حَتَّى لَا يُقَالَ أَيْنَ فَلَانٌ وَ اللَّهُ إِنَّهُ لَحَقٌّ مَعَ مُحِقٍّ وَ مَا [يُبَالِي أُبَالِي مَا صَنَعَ الْمُؤَلْحِدُونَ وَ السَّلَامُ؛ اما بعد، از تو به من سخنی رسیده که هم به سود توست و هم بر زیان تو. چون فرستاده من، با پیام من نزد تو آید، دامن بر میان زن و بند کمر استوار نمای و از سوراخت بیرون آی و کسانی را که با تو هستند، فراخوان. اگر دیدی که باید از من اطاعت کنی، به نزد من آی و اگر در تردید بودی از آن مقام که تو را داده‌ام کناره گیر. به خدا سوگند، هر جا باشی تو را بیاورند و رهایت نکنند تا راه چاره بر تو بسته شود و سرگردان مانی و کراهات با شیر و گداخته‌ات با ناگداخته آمیخته شود. تو را وادارند که بشتاب از جای برخیزی و از پیش رویت چنان ترسان شوی که از پشت سرت. این مهم را آسان مپندار که بلایی است بزرگ. باید بر اشترش نشست و توسنش را رام کرد و کوه‌هایش را چون دشت هموار ساخت. پس عقلت را به فرمان آور و رشته کار خود به دست گیر. و نصیب و بهره خویش دریاب. اگر آمدن را خوش نداری از کار کناره گیر و به تنگنای خود گریز. جایی که در آن، راه رهایی بسته است. سزاست که دیگران آن کار را کفایت کنند و تو در خواب باشی آنسان، که هرگز کس نپرسد که فلان کجاست؟ به خدا سوگند، که این جنگ جنگی است بر حق. همراه کسی که او نیز بر حق است. و او را باکی نیست که ملحدان چه کردند (نهج البلاغه، نامه ۶۳).

بنابراین یکی از وظایف کارگزاران حکومت هنگام فتنه اطاعت از حاکم اسلامی است. در شرایط فتنه توده مردم باید همانند همیشه در برابر قانون اسلامی خاضع باشند، هر چند این قانون به ظاهر به زیان‌شان باشد. قانون الهی در شرایط فتنه نباید تعطیل شود و هیچ کس نباید برای تعطیلی آن بکوشد؛ رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ شَفَعَ فِي حَدِّ مَنْ

حُدُودِ اللَّهِ لِيُنْظِلَّهُ وَ سَعَى فِي إِبْطَالِ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى عَذَّبَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس در اجرای قانون الهی واسطه‌گری کند تا مانع اجرای آن بشود خدای بزرگ او را در قیامت عذاب می‌کند» (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۴۳).

یکی دیگر از وظایف هنگام فتنه، که برای انحلال فتنه کارآیی بالایی دارد، امر به معروف و نهی از منکر است. از آنجا که فتنه آرامش و امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این دو فریضه می‌تواند امنیت را به اجتماع بازگرداند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «به‌راستی که با (امر به معروف و نهی از منکر)... راه‌ها امنیت می‌یابند، کسب‌ها حلال می‌شوند، حقوق غصب شده بازگردانده می‌شوند و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان دادخواهی می‌شود و امور سامان می‌یابند» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۵، صص ۵۵-۵۶).

افراد در شرایط فتنه باید به شکلی عمل کنند که نه تنها عامل فتنه نباشند، بلکه دشمن نتواند از آنها سوء استفاده نماید؛ و بالاتر اینکه باید در برابر فتنه‌گران مقاومت کرده و فتنه را خاموش کنند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: در فتنه‌ها همچون شتر دو ساله باش؛ نه پشتی دارد تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش را دوشند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱).

آن حضرت در این کلام هشیاری و بیداری بیش از پیش افراد برای دچار نشدن در دام فتنه را مورد توجه قرار می‌دهند. کلام حضرت به معنای وا گذاشتن تکلیف و گوشه‌گیری نیست، بلکه بدین معناست که فرد به نوعی عمل کند که فرصت سوء استفاده از دشمن گرفته شده و هرگز در زمین دشمن بازی نکند.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «بعضی‌ها در فضای فتنه، این جمله‌ی «کن فی الفتنة کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می‌فهمند و خیال می‌کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که «بکش کنار» این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود... خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرع است که

ی‌حلب؛ همان ظهری است که یرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲).

یکی از حیاتی‌ترین چیزی که برای نجات از فتنه نیاز است، امام و راهبری بصیر، مجرب، متقی و روشنگر است. امام علی علیه السلام از این راهبر با عنوان کشتی نجات نام برده و مردم را به پیوستن به آنها دعوت می‌نماید:

أَيُّهَا النَّاسُ سُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُقْنِ النَّجَاةِ وَ عَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ وَ ضَعُوا تِيحَانَ الْمُنَافَرَةِ أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ أَوْ اسْتَسَلَّمَ فَأَرَّاحَ هَذَا مَاءٌ آجِنٌ وَ لِقْمَةٌ يَغْصُ بِهَا آكِلُهَا وَ مُجْتَبَى الثَّمَرَةِ لِعَيْرٍ وَ قَتَّ إِنْبَاعِهَا كَالزَّرْعِ بَعِيرٍ أَرْضِهِ؛ ای مردم با نیروی کشتی‌های نجات دل امواج فتنه را بشکافید از خط پست کینه‌توزی فراتر آید و تاج‌های فخر فروشی را زیر پا له کنید. پیروزی را تنها دو کس نصیب برند: یکی آن‌که با نیروی کافی برخیزد و به پرواز درآید دو دیگر آن‌که با مسالمت‌جویی نیروهایش را فرصت آسایش دهد. این آبی است گندیده و لقمه‌ای گلوگیر و هر آن کس که میوه را پیش از رسیدن بچیند کشتگری ناکام را ماند که در شوره‌زار بدر می‌افشاند (نهج‌البلاغه، خطبه ۵).

باتوجه به این کلام گهربار برای خاموش کردن آتش فتنه باید:

- از اختلاف پرهیز شود؛
- از فخر فروشی و تکبر پرهیز شود؛
- به یاران ولایت پیوسته به آنها کمک کرد؛
- از فتنه کناره‌گیری کرد (به فتنه‌گران کمک نکرد).

یکی از کاراترین روش‌های نیفتادن در دام فتنه، پناه بردن به اولیای الهی است؛ زیرا برای اولیای الهی حق آشکار است و در اصل حق در آنها و با آنها است، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ»؛ از این‌رو برای قرار گرفتن در جبهه حق باید با کسی که حق را به‌طور کامل می‌شناسد

همراه شد و در پناه او قرار گرفت». امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ما اهل بیت پیامبر از آن فتنه‌ها در امانیم و مردم را بدان نمی‌خوانیم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۳).

همچنین مولای متقیان در خصوص تبعیت از طریق هادیان الهی می‌فرماید: «ای مردم اکنون هنگام فرا رسیدن فتنه‌هایی است که به شما وعده داده شده و نزدیک است برخورد با رویدادهایی که حقیقت آن بر شما ناشناخته و مبهم خواهد بود. دانسته باشید آن کس که از طریق ما (مهدی موعود منتظر) به راز این فتنه‌ها پی برد و آن روزگار را دریابد، با مشعل فروزان هدایت ره بسپرد و به سیره و روش پاکان و نیکان (پیامبر و امامان معصوم) رفتار نماید، تا در آن گیر و دار گره‌ها را بگشاید و بردگان در بند ظلم و خودخواهی و ملت‌های اسیر استعمار را از بردگی و اسارت برهاند، توده‌های گمراهی و ستمگری را متلاشی و پراکنده سازد، و حق طلبان را گردهم آورد، و به دیگر عبارت تشکیلات کفر و ستم را بر هم زند و جدایی و تفرقه اسلام و مسلمانان را تبدیل به یک پارچگی نموده و سامان بخشد. این رهبر مدت‌ها بلکه قرن‌ها در پنهانی از مردم به سر برد و هر چند دیگران کوشش کنند تا اثرش را بیابند، نشانی از رد پایش نیابند. در این هنگام گروهی از مؤمنان برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده شوند، هم چون آماده شدن شمشیر که در دست آهنگر صیقل داده شده. همینان چشمان‌شان به نور و فروغ قرآن روشن گردد، موج با شکوه تفسیر قرآن در گوش دلشان طنین‌انداز شود، شامگاهان و صبحگاهان جانشان از چشمه‌ی حکمت و معارف الهی سیراب گردد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰).

ایشان در خصوص فایده اتصال به خداوند در اوج فتنه می‌فرماید: «فَمَنْ اسْتَطَاعَ عِنْدَ ذَلِكَ أَنْ يَعْتَقِلَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَفْعَلْ؛ در اوج آن فتنه هر یک از شما که بتواند خویشتن خویش را با خدای پیوند دهد باید بکوشد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۶). و در جایی دیگر می‌فرماید: «ناگاه، چون دیگی که بر آتش باشد، جوشیدن گرفت و فتنه سر برداشت. پس به سوی امیرتان بشتابید و اگر خدا خواهد، برای جهاد با دشمن، به پیش تازید (نهج‌البلاغه، نامه ۱).

چگونه باید به خداوند متصل شد؟ برای اتصال به خداوند باید اولیایش را واسطه

قرار داد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و به سوی او دستاویز بجویید» (مائده، ۳۵)، همچنین خداوند از طریق اولیایش بر انسان‌ها نعماتش را عطا می‌کند و آنان درهای رحمت الهی هستند. امام صادق علیه السلام امامان را باب الله معرفی می‌کند: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ هَلَكَ وَ كَذَلِكَ يَجْرِي الْأَمَّةُ الْهُدَى وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۳۵۲).

۶. راهکارهای مواجهه با فتنه

به بخشی از راهکارهای امام علی علیه السلام برای مواجهه با فتنه بیان کرده اشاره می‌کنیم:

۱-۶. ثبات قدم

امیرمومنان علیه السلام در پیچ فتنه‌ها افراد را به ثبات قدم در مقابله با فتنه فرا می‌خواند. هنگامه فتنه افراد باید در مقابل تبلیغات سوء دشمن دچار تزلزل نگشته و دین خود را حفظ کنند و از عقاید و دیدگاه‌های خویشتن مصونیت به عمل آورند، تردیدهای دشمنان را ترتیب اثر نداده و یقین خود را حفظ کنند (طبعی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷). فریب دشمن نباید استحاله فکری را بر جبهه حق وارد سازد، بلکه اهالی جبهه حق باید با روشنگری بطلان فتنه‌سازان را آشکار ساخته و از مواضع خود عقب‌نشینی ننماید. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۸۳ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً مِنَ الْفِتَنِ وَ نُوراً مِنَ الظُّلْمِ؛ آگاه باشید آن کس که تقوای الهی پیشه کند و از خدا بترسد خداوند راهی برای رهایی از فتنه‌ها به‌روی او می‌گشاید و با نور هدایت از تاریکی‌ها می‌گریزد». از این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام این نکته دریافت می‌شود که هرگاه در جامعه‌ای روحیه تقوا و پرهیزگاری گسترش یابد، آسیب‌پذیری آن جامعه در برابر فتنه‌های احتمالی کاهش خواهد یافت.

ایشان در خطبه ۱۵۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَ تَبَتُّوا فِي قَتَامِ الْعِشْوَةِ وَ اعْوِجَاجِ الْفِتْنَةِ؛ بکوشید تا در پیچ و خم کولاک شبهه‌ها و فتنه‌ها ثابت قدم و استوار بمانید».

۲-۶. عدم تکروی

مولا علی علیه السلام تکروی در فتنه را موجب تباهی می‌دانند؛ از این رو باید در فتنه با جامعه بود: «يَضِيعُ فِي غُبَارِهَا الْوُحْدَانُ وَ يَهْلِكُ فِي طَرِيقِهَا الرُّكْبَانُ؛ تک‌روان در غبار آن فتنه‌ها نابود می‌گردند و سواران با قدرت در آنها به هلاکت می‌رسند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱). این کلام اشاره است به اینکه گاه فتنه به اندازه‌ای بزرگ و سنگین است که نه تنها غبار آن برای نابود کردن مخالفان محدود کافی است، بلکه مخالفان بسیار و سازمان‌یافته نیز هنگام قرار گرفتن در مسیر آن، در هم کوبیده می‌شوند و کسی را یارای مقابله با آن نیست. شاید منظور از «وحدان» فضلا و دانشمندان باشند که به غبار شبه‌ها گرفتار می‌شوند و حق را از دست می‌دهند و شاید «رکبان» کنایه از گروه‌های نیرومند باشد که آنها نیز تاب مقاومت در برابر فتنه‌گران را ندارند. شاید منظورشان این است که افراد خود را جدای از جامعه ندانند، بلکه نسبت به هدایت یا ضلالت جامعه احساس مسئولیت کرده و افراد را در فتنه یاری دهند.

۳-۶. تقوا

در فتنه حق بر افراد مشتبه می‌شود؛ زیرا حق و باطل ممزوج شده و باطل با پوششی از حق خود را عرضه کرده است؛ در این آمیختگی تقوا به‌عنوان فرقان عمل می‌کند و حق را از باطل متمایز ساخته و روشن می‌نماید؛ چراغی که می‌تواند راه حق و راه باطل را نشان دهد تقواست؛ همان‌طور که خدای متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید برای شما نیرویی جداکننده (تشخیص‌دهنده حق از باطل) قرار می‌دهد» (انفال، ۲۹)؛ بنابراین یکی از مهمترین راهکارهای برون‌رفت از فتنه رعایت تقوای الهی است؛ با تقوای الهی می‌توان از بن‌بست خارج شد و راه یافت؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ و هر که از خدا پروا کند برای او راه بیرون شدن [از هر دشواری و اندوهی] پدید آرد» (طلاق، ۲).

رهبر معظم انقلاب در خصوص این دو آیه می‌فرماید: «یکی از آثاری که بر تقوا

مترتب است، این است که خدای متعال به کارهای ما برکت می‌دهد. اگر انسان آثاری را که در قرآن - کلام الهی - بر تقوا مترتب شده است، ملاحظه کند، خواهد دید که جواب همه احتمالات و خواطر و وسوسه‌های ذهنی او داده شده است: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا، اِذَا تَقَوَّا يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا، اِذَا تَقَوَّا يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا، اِذَا تَقَوَّا يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» یعنی فارق بین حق و باطل - به وجود خواهد آورد. راه حق و باطل برای ما مشتبه نخواهد شد؛ راه باز خواهد شد. وقتی انسان فهمید حق کدام است، باطل کدام است، با شجاعت بیشتری حرکت می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۶/۰۲).

بنابراین تقوا در فتنه به شدت به شناخت حق و باطل کمک کرده و ابزار قدرتمندی برای ناکام گذاشتن فتنه است.

امام علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِنَ الظُّلُمِ؛ بدانید کسی که تقوی پیشه کند، خداوند برای او نجاتی از فتنه‌ها و نوری در تاریکی‌ها قرار می‌دهد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳).

تقوا به معنای توجه به خدا، در همه امور دستورات حق را مقدم شمردن، آنجا که حق واجب ساخته با تمام وجود وارد شدن و آنجا که حق حرام ساخته دوری جستن.

۴-۶. بصیرت

افزایش بصیرت و عمق بخشیدن به آن سوءاستفاده فتنه‌گر را کاهش داده، فتنه را کم‌اثر یا بی‌اثر می‌کند. امام علی علیه السلام درباره بصیرت می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِرْبَهُ وَ اسْتَجْلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجِلَهُ وَ إِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي وَ لَا لَبَسَ عَلَيَّ؛ آگاه باشید که شیطان حزب خود را گرد آورده و سواران و پیادگانش را بسیج کرده است. همان بصیرت دیرین هنوز هم با من است. چنان نیستم که چهره حقیقت را نبینم و حقیقت نیز بر من پوشیده نبوده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰).

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «جوانان عزیز! هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس

حقیقت. امیرالمؤمنین در یک خطبه‌ای از جمله‌ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامُ تُبَدَّعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ» در همین خطبه، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی‌تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سوی باطل نخواهند رفت. «وَلَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمْرُجَانِ». آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند؛ باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فَهَذَا لِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود. این است که بصیرت میشود اولین وظیفه‌ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۱۵).

۷. مصادیق فتنه

خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره انفال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدای و پیامبر را پاسخ دهید هنگامی که شما را به چیزی خوانند که زنده‌تان می‌سازد - سبب زنده‌دلی شماست - و بدانید که خدا میان مرد و دل او حائل می‌شود و [بدانید که] به سوی او برانگیخته و فراهم می‌شوید».

در این آیه به اطاعت از پیامبر امر شده و در آیه ۲۵ سوره انفال این‌گونه آمده: «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ و از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند). و بدانید خداوند کیفر شدید دارد!

یک احتمال این است که فتنه در صورتی اتفاق می‌افتد که از پیامبر اطاعت نشود؛ با این احتمال می‌توانیم به این نتیجه برسیم که عدم اطاعت از پیامبر برابر است با ایجاد فتنه؛ بنابراین در طول تاریخ اسلام کسانی که از دستورات و رهنمودهای پیامبر اطاعت نکردند، از مصادیق فتنه‌گران هستند به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌کنیم.

۱-۷. فتنه بنی امیه

تاریخ پر از فتنه‌های فریبنده است. یکی از هولناک‌ترین آنها فتنه بنی امیه است که حضرت علی علیه السلام از آن یاد کرده و در نهج البلاغه آمده است. حکام بنی امیه چون ولایت پیشوای حق را کنار زدند و مسلمانان را قرن‌ها به ذلت کشاندند، فتنه سهمگینی را ایجاد کردند. هنگامی که به حاکم الهی و حقیقی پشت می‌شود و حکمای دروغین زمام امور را به دست می‌گیرند حقوق پایمال شده و ظلم و بیداد حاکم می‌شود. مولا علی علیه السلام فتنه بنی امیه را ترسناک‌ترین فتنه‌ها دانسته و شدیدترین ظلم و ستم‌ها را مقارن با دوران آنها معرفی کرده ظلمت این دوران را چون ظلمت و تاریکی زمان جاهلی می‌داند و می‌فرماید:

آگاه باشید همانا ترسناک‌ترین فتنه‌ها در نظر من، فتنه بنی امیه بر شما است، فتنه‌ای کور و ظلمانی که سلطه‌اش همه‌جا را فرا گرفته و بلای آن دامنگیر نیکوکاران است. هر کس آن فتنه‌ها را بشناسد نگرانی و سختی آن دامگیرش گردد، و هر کس که فتنه‌ها را نشناسد، حادثه‌ای برای او رخ نخواهد داد. به خدا سوگند بنی امیه بعد از من برای شما زمامداران بدی خواهند بود، آنان چونان شتر سرکشی که دست به زمین کوبد و لگد زند و با دندان گاز گیرد و از دوشیدن شیر امتناع ورزد، با شما چنین برخورداری دارند، و از شما کسی باقی نگذارند، جز آن کس که برای آنها سودمند باشد یا آزاری بدان‌ها نرساند. و بلای فرزندان بنی امیه، بر شما طولانی خواهد ماند چندان که یاری خواستن شما از ایشان چون یاری خواستن بنده باشد از مولای خویش یا تسلیم شده از پیشوای خود. فتنه‌های بنی امیه پیایی با چهره‌ای زشت و ترس آور، و ظلمتی با تاریکی عصر جاهلیت، بر شما فرود می‌آید. نه نور هدایتی در آن پیدا، و نه پرچم نجاتی در آن روزگاران بچشم می‌خورد (نهج البلاغه، خطبه ۹۳).

۲-۷. حکمیت

در جنگ صفین، در آستانه پیروزی حضرت علی علیه السلام بر لشکر معاویه ماجرای بر سر نیزه شدن قرآن‌ها پیش آمد و در پی آن افرادی از لشکر آن حضرت فریب خوردند و

آن حضرت را مجبور به حکمیت کردند. حکمیت فتنه سهمگینی بود که در پوشش قرآن به میدان آمد و افرادی را وارد گرداب مهلک خود کرد. ویژگی مشترک کسانی که دچار این فتنه شدند این بود که قرآن صامت را بر قرآن ناطق ترجیح دادند. در این فتنه افراد بی بصیرت در برهه‌ای حساس ولی خدا را مجبور به قبول عملی که از آن اکراه داشت کردند. افرادی که به آنها برای جهاد فی سبیل الله تکیه شده بود امتحان خود را خوب پس نداده و در آتش فتنه حکمیت سوختند. افرادی که قرار بود نیروی سپاه امیرالمومنین علیه السلام و دارو و مرهم باشند، درد بی‌درمان امیرمومنان علیه السلام شدند.

حضرت علی علیه السلام در پاسخ به یکی از یاران پس از پذیرش حکمیت که گفت: ما را از حکمیت نهی فرمودی، سپس پذیرفتی و داور تعیین کردی ما نمی‌دانیم کدام یک از این دو کار درست است؟ امام دست بر روی دست کوبید و با تأسف فرمود:

این سزای کسی است که بیعت با امام خود را ترک گوید، و پیمان بشکند. به خدا سوگند، هنگامی که شما را به جنگ با معاویه فراخواندم، خوشایندتان نبود، ولی خداوند خیر شما را در آن قرار داده بود، اگر مقاومت می‌کردید، شما را راهنمایی می‌کردم و اگر به انحراف می‌رفتید شما را به راه راست برمی‌گرداندم، اگر سر باز می‌زدید، دوباره شما را برای مبارزه آماده می‌کردم، در آن صورت وضعیتی مطمئن داشتیم. اما دریغ، با کدام نیرو بجنگم و به چه کسی اطمینان کنم. شگفتا، می‌خواهم به وسیله شما بیماری‌ها را درمان کنم، ولی شما درد بی‌درمان من شده‌اید، کسی را می‌مانم که خار در پایش رفته و با خار دیگری می‌خواهد آن را بیرون کشد، درحالی که می‌داند خار در تن او بیشتر شکند و بر جای ماند. خدایا طیب این درد مرگبار به جان آمده، و آب‌رسان این شوره زار ناتوان شده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۱).

۳-۷. مثالی از یک فتنه و ویژگی‌های آن

حضرت امیرالمومنین علیه السلام در مورد آینده مسلمانان متذکر فتنه‌ای می‌شوند که خطر عظیمی دارد؛ ایشان فتنه‌جویان را همچون حیوانی می‌دانند که یکدیگر را گاز می‌گیرند

و این فتنه را مسبب شک و تردید در عقاید می‌خوانند. ایشان در این مورد می‌فرمایند:

سپس فتنه‌ای سر برآورد که سخت لرزاننده، در هم کوبنده و نابودکننده است، که قلب‌هایی پس از استواری می‌لغزند، و مردانی پس از درستی و سلامت، گمراه می‌گردند، و افکار و اندیشه‌ها هنگام هجوم این فتنه‌ها پراکنده، و عقاید پس از آشکارشدنشان به شک و تردید دچار می‌گردد. آن کس که به مقابله با فتنه‌ها برخیزد کمرش را می‌شکند، و کسی که در فرو نشاندن آن تلاش می‌کند، او را در هم می‌کوبد. در این میان فتنه‌جویان چونان گورخران، یکدیگر را گاز می‌گیرند، و رشته‌های سعادت و آیین محکم شده‌شان لرزان می‌گردد، و حقیقت امر پنهان می‌ماند. حکمت و دانش کاهش می‌یابد، ستمگران به سخن می‌آیند، و بیابان‌نشین‌ها را در هم می‌کوبند، و با سینه مرکب‌های ستم، آنها را خرد می‌نمایند. تک‌روان در غبار آن فتنه‌ها نابود می‌گردند، و سواران با قدرت در آن به هلاکت می‌رسند. فتنه‌ها با تلخی خواسته‌ها وارد می‌شود، و خون‌های تازه را می‌دوشد، نشانه‌های دین را خراب، و یقین را از بین می‌برد. فتنه‌هایی که افراد زیرک از آن بگریزند، و افراد پلید در تدبیر آن بکوشند. آن فتنه‌ها پر رعد و برق و پر زحمت است، در آن پیوندهای خویشاوندی قطع شده، و از اسلام جدا می‌گردند، فتنه‌ها چنان ویرانگرند که تندرست‌ها بیمار، و مسکن‌گزیدگان کوچ می‌کنند، در آن میان کشته‌ای است که خوش به رایگان ریخته، و افراد ترسویی که طالب امانند، با سوگندها آنان را فریب می‌دهند، و با تظاهر به ایمان آنها را گمراه می‌کنند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۱).

بنابر عقیده بعضی شارحان نهج‌البلاغه منظور از فتنه در خطبه ۱۵۱، آشوب‌ها و اضطرابات تاتار است که اغلب جوامع اسلامی را دربرگرفت و مصیبتی به بار آورد که می‌توان گفت: هنوز آثار آنها در این جوامع باقی است. برای سالم ماندن در برابر فتنه‌ها و عوامل ویرانگر فرهنگی و دینی و ارزشی و اقتصادی و حقوقی باید به‌طور جدی از دو عامل نیرومند اساسی برخوردار بود: اول، تعلیم و تربیت صحیح و جدی برای آموزش و پرورش انسان‌های جامعه بر مبنای (حیات معقول) که براساس محکم حقایق در دو قلمرو «انسان آنچه‌ان که هست» و «انسان آنچه‌ان که باید» استوار است. دوم، اراده جدی و

همت برای «گردیدن» و تحول از یک جاندار محض به مقام انسانی که اگر خود کامگان امروز اجازه فرمایند! این تحول و گردیدن به فعلیت می‌رسد و انسان از تاریخ طبیعی حیوانی به «تاریخ انسانی تکاملی» منتقل می‌گردد (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۹، ص ۳۵۷، ۳۵۸).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی فتنه، نکات ذیل به‌دست آمد:

۱. فتنه دارای بعد فردی و اجتماعی است که در نهج‌البلاغه به هر دو بعد اشاره شده است.
۲. برای اینکه به سلامت از فتنه‌ها عبور کنیم نیازمند شناخت دقیق فتنه و ابعاد آن هستیم.
۳. ریشه فتنه‌ها پنج چیز است؛ هواهایی که تبعیت شده، احکامی که بدعت نهاده شده، مخالفت با کتاب خدا، در هم آمیختن حق و باطل و فراموشی تذکرات الهی.
۴. مهمترین وظیفه در فتنه‌های اجتماعی هنگام برقراری حکومت اسلامی، اطاعت از حاکم اسلامی است.
۵. براساس فرمایشات امام علی علیه السلام برای خاموش کردن فتنه باید از اختلاف و فخرفروشی و تکبر پرهیز شود، به یاران ولایت پیوسته به آنها کمک کرد و فتنه‌گران یاری نرساند.
۶. در برخورد با فتنه باید ثبات قدم داشت، تکروری نکرد، از تقوا و بصیرت برخوردار بود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه (ترجمه دشتی و شهیدی)

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب (ج ۱۰). بيروت: دار احيا التراث العربی.
۲. ابن موسی، هارون. (۱۴۰۹ق). الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم. بغداد: دائرة الاثار و التراث.
۳. ابن میثم بحرانی. (۱۴۱۷ق). شرح نهج البلاغه (ج ۱). مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۴. جعفری، محمدتقی. (۱۳۹۸). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (ج ۹). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاة. قم: اسراء.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸/۰۶/۰۲). بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای B2n.ir/g/54874.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۰۷/۰۲). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای B2n.ir/u/48682.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۰۷/۱۵). بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای B2n.ir/d/00380.
۹. دامغانی، ابو عبدالله. (۱۴۱۲ق). الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز. قاهره: وزارت اوقاف.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق - بیروت: دارالعلم - الدار الشامیة.
۱۱. شاه‌علی، احمد رضا. (۱۳۹۰). محرک‌های اجتماعی پیشبرد فتنه در جنگ نرم از دیدگاه حضرت علی علیه السلام. نشریه مطالعات قدرت نرم، پیش شماره (۳)، صص ۱۹۱-۱۶۳.

۱۲. شرتونی، سعید. (۱۹۹۲م). اقرب الموارد (ج ۲). بیروت: مکتبه البنان.
۱۳. طبعی، منصور. (۱۳۸۱). کالبد شکافی فتنه. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی دفتر سیاسی.
۱۴. غفوری چرخابی، حسین. (۱۳۸۳). فتنه از دیدگاه امام علی در نهج البلاغه. تهران: انتشارات قداست.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (ج ۸). قم: انتشارات هجرت
۱۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط (ج ۴). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. فیض الاسلام، علی نقی. (۱۳۶۵ق). ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: بی نا.
۱۸. کلینی. محمد بن یعقوب. (۱۳۹۳). الکافی (ج ۵، مترجم: حسین استادولی). تهران: دارالثقلین.
۱۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۹). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۱. مغربی، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام (ج ۲). قم: مؤسسه آل البیت.

References

* The holy Qur'an

** Nahj al-Balagha (Dashti & Shahidi, Trans.)

1. Damghani, A. (1993). *Al-Wujuh wa al-Nazair al-Lafaz fi Kitab Allah al-Aziz*. Cairo: Ministry of Awqaf. [In Arabic]
2. Farahidi, K. b. A. (1990). *Kitab al-Ayn* (Vol. 8). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
3. Feyz al-Islam, A. N. (1986). *Tarjama wa Sharh Nahj al-Balagha*. Tehran: No Publisher. [In Persian]
4. Firuzabadi, M. b. Y. (1995). *Al-Qamus al-Muhit* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
5. Ghafari Charkhabi, H. (2004). *Fitna from the Perspective of Imam Ali in Nahj al-Balagha*. Tehran: Qedasat Publications. [In Persian]
6. Ibn Manzur, M. b. M. (1989). *Lisan al-'Arab* (Vol. 10). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
7. Ibn Meytham Bahrani. (1996). *Sharh Nahj al-Balagha* (Vol. 1). Mashhad: Majma' al-Buhuth al-Islamiya. [In Arabic]
8. Jafari, M. T. (1979). *Tarjama wa Tafseer Nahj al-Balagha* (Vol. 9). Tehran: Office of Cultural Publications of Islamic Culture. [In Persian]
9. Jawadi Amoli, A. (2012). *Mafatih al-Hayat*. Qom: Esra. [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (1999). *Speech in the meeting with the president and members of the cabinet*. Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. B2n.ir/g54874. [In Persian]
11. Khamenei, S. A. (2009). *Speech in the meeting with members of the Assembly of Experts*. Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. B2n.ir/u48682. [In Persian]
12. Khamenei, S. A. (2009). *Speech in the public meeting with people of Chalous and Nowshahr*. Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. B2n.ir/d00380. [In Persian]

13. Kuleyni, M. b. Y. (2014). *Al-Kafi* (Vol. 5, H. Ostad Vali, Trans.). Tehran: Dar al-Thaqalayn. [In Persian]
14. Maghribi, N. b. M. (2006). *Dua'im al-Islam* (Vol. 2). Qom: Institute of Ahl al-Bayt. [In Persian]
15. Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
16. Musa, H. (1990). *Al-Wujuh wa al-Nazair fi al-Quran al-Karim*. Baghdad: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
17. Mustafa, H. (1981). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim* (Vol. 9). Tehran: Bonyad Tarjumah wa Nashr Kitab. [In Persian]
18. Raghīb Isfahani, H. (1993). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Damascus & Beirut: Dar al-Ilm wa al-Dar al-Shamiyah. [In Arabic]
19. Shah-Ali, A. R. (2011). Social Motivators of Advancing the Fitna in the Soft War from the Viewpoint of Imam Ali (a.s.). *Journal of Soft Power Studies*, Pre-issue (3), pp. 191-163. [In Persian]
20. Shartouni, S. (1992). *Aqrab al-Mawarid* (Vol. 2). Beirut: Maktabat al-Banan. [In Arabic]
21. Tabi'i, M. (2002). *Kalbod Shakafi Fitna*. Tehran: Political and Ideological Organization of the Police Force. [In Persian]